

OUR IRAN

Porvazheh English - Persian Dictionary

Supervisors, translators and Directors:

Mohammad Reza Yarahmadi and Zohreh Chegeni

Ahmad Shabani

Consular: Manoocher Vafa'ee

Collector of Idioms of Media: Ahmed Sha'ban

Editor: Zohreh Chegeni

سرشناسه	یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ پرواژه انگلیسی-فارسی ایران ما/به سرپرستی محمدرضا یاراحمدی، زهره چگنی؛ مشاور منوچهر وفایی؛ گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری احمد شعبانی؛ ویراستار علمی زهره چگنی.
مشخصات نشر	تهران: گروه تالیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۶۵۶ص. : جدول.
شابک	978-600-422-233-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Mohammad Reza Yarahmadi, Zohreh Chegeni. Porvazhe : English-Persian dictionary - Our IRAN
موضوع	زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع	English language -- Dictionaries -- Persian:
موضوع	زبان انگلیسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع	English language -- Terms and phrases -- Dictionaries -- Persian:
شناسه افزوده	:چگنی، زهره، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده	:وفایی، منوچهر، ۱۳۱۷-
شناسه افزوده	:شعبانی، احمد، ۱۳۶۳-
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ی۲ ف۲/۱۶۴۵ PE
رده‌بندی دیویی	:۴۲۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	:۴۷۲۴۸۵۳

نام کتاب: فرهنگ پرواژه انگلیسی - فارسی ایران ما

مؤلفین و مترجمین (سرپرستان گروه): دکتر محمدرضا یاراحمدی - زهره چگنی

ویراستار علمی: زهره چگنی

ناشر: گروه تالیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: کیمیای قلم - صحافی: فردوس

مدیر تولید: اقبال شرقی

ناظر فنی چاپ: فرهاد فراهانی

مدیر فنی و هنری: مریم آرده

تایپ و صفحه‌آرایی: سمانه توکلیان

بهاء: ۳۰۰۰۰ تومان

Website: www.DKG.ir

Telegram: [drkhaliligroup](https://t.me/drkhaliligroup)

آموزشگاه دکتر خلیلی (دفتر مرکزی): ۰۲۱-۶۶۵۸۶۲۱

فروشگاه: تهران - خیابان انقلاب - رویه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران - پاساژ فروزنده - طبقه همکف - پلاک ۳۳۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۷۵ - ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۴۹

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب - جنب سینما پارس - مجتمع تجاری پارس - طبقه اول

مرکز فروش: ۰۲۱-۶۶۵۶۹۲۱۶

مدیر فروش: ۰۵۰۸۵۸۹ - ۰۹۱۲

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر گروه تالیفی دکتر خلیلی است.

هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

A a

A BrE /eɪ/NAme /eɪ/ (noun)

اولین حرف از حروف انگلیسی

a BrE /ə/NAme /ə/BrE strong form /eɪ/AmE

strong form /eɪ/ (also an) (indefinite article)

یک، دیگر، هر، یک شخص به نام، (قبل از اسم قابل شمارش) یکی، (قبل از اسم غیرقابل شمارش) ی (نکره)

a bad thing never dies (IDIOM)

بادمجان ہم آفت نداره

a barking dog never bites (IDIOM)

سنگ بزرگ نشانه نژدن است

a big deal (IDIOM)

موضوع و مسئله بسیار مهم

a big eater (IDIOM)

پر خور (شخصی که عادت به زیاد خوردن دارد)، شکمو

a bite (to eat) (IDIOM)

غذای سبک/مختصر

a black eye (IDIOM)

بادمجان / کبودی زیر چشم (ضربه، تصادف)

a bright spark (IDIOM)

سرزنده و باهوش، با ذکاوت

a bundle (IDIOM)

پول زیاد، مبلغ زیاد، پول/ مبلغ هنگفت

a clean bill of health (IDIOM)

گواهی سلامت شخص/ صحت انجام کار

a clump of trees (IDIOM)

یک دسته درخت

a cold fish (IDIOM)

خونسرد، نجوش، سرد مزاج

a conflict of interest (IDIOM)

تضاد منافع

a creature of habit (IDIOM)

بنده عادت

A cup of tea (IDIOM)

مناسب حال و روز/ سلیقه، اوضاع و احوال

a dream come true (IDIOM)

به رویای خود رسیدن، رویای دست یافتنی

a drop in the ocean (IDIOM)

قطره‌ای در دریا، بسیار اندک و ناچیز

a far cry from (IDIOM)

تفاوت چشم‌گیر، تفاوت بسیار متفاوت

a fighting chance

شانس/ امکان (برنده شدن/ موفقیت)

a flat refusal (IDIOM)

انکار/ رد صریح چیزی

a going concern (IDIOM)

شغل پر در آمد، کاسبی سکه، شغل نان و آب دار

a golden opportunity (IDIOM)

فرصت طلایی

a good/ great many (IDIOM)

تعداد زیادی (غیررسمی)

a good/bad influence (IDIOM)

تأثیر خوب/ بد

a hand (IDIOM)

کمک (به کسی کمک کردن)

a hatchet job (on sb/ sth) (IDIOM)

انتقاد مغرضانه

a head start (IDIOM)

امتیاز، برتری (که به موفقیت شخص کمک می‌کند)

a heavy drinker (IDIOM)

سیاه مست (کسی که مقدار زیادی الکل می‌نوشد)

a hot potato

a hot potato (IDIOM)

مایه (درد سر، گرفتاری)، هچل

a know-it-all (IDIOM)

همه چیز دان (کسی که فکر می‌کند همه چیز را می‌داند)،
همه فن حریف، عقل کل

a laborious essay (IDIOM)

متن / مقالهی مسجّع، مقالهی بسیار سخت

a lame duck (IDIOM)

از کار افتاده، بیچاره، زهوار در رفته

a leopard can't change its spots (IDIOM)

توبه گرگ مرگ است

a let-down (IDIOM)

نامیدکننده

a little (IDIOM)

کم (مقدار، حداقل از چیزی)، کمی، مدت کوتاهی

a little bit (IDIOM)

حدوداً، نسبتاً، تاحدودی (غیررسمی)

A little rest might ease your mind a bit (IDIOM)

یکم استراحت سر حالت میاره

a live wire (IDIOM)

مجلس گرم کن، آتیش پاره، پرنرژی

a long shot (IDIOM)

احتمال کم برای کامیابی

a lost cause (IDIOM)

شانس کم، احتمال ضعیف

a lot (IDIOM)

زیاد، تعداد زیادی (غیررسمی)

a low blow (IDIOM)

نامیدی بزرگ

a man/ woman of his/her word (IDIOM)

خوش قول

a meeting of minds (IDIOM)

توافق، تفاهم

a nasty piece of work (IDIOM)

لاابالی، شخص غیرقابل اطمینان

a nervous wreck (IDIOM)

بی قرار، بیمناک

a sign of the times

a nest of birds (IDIOM)

یک دسته پرنده

a new broom sweeps clean (IDIOM)

نو که اومد به بازار، کهنه می‌شه دل آزار

a number of (IDIOM)

چند تا، بسیاری، تعداد زیادی

a pack of lies (IDIOM)

یک مشت دروغ، داستان ساختگی

a pat on the back (IDIOM)

جایزه دادن، تشویق کردن

a penny for your thoughts (IDIOM)

می‌خوام بدونم تو چی فکر می‌کنی

a piece of cake (IDIOM)

مثل آب خوردن

a practical joke (IDIOM)

شوخی خرمی، (شوخی کردن)، اسکل کردن

a quick study (IDIOM)

شخص زودگیر، کسی که سریع همه چیز را یاد می‌گیرد،
شخص تیزفهم

a recipe for disaster (IDIOM)

این راه که می‌روی به ترکستان است

a rip-off (IDIOM)

گوش بری (کلاه برداری)

a roaring success (IDIOM)

موفقیت (چشم گیر / شایان توجه)

a rolling stone gathers no moss (IDIOM)

که بر سنگ غلطان نروید نبات، آب در هاونگ کوبیدن

a running battle (IDIOM)

این رشته سر دراز دارد، حالا حالاها ادامه داشتن

a shortcut (IDIOM)

راه میان بر

a shot in the arm (IDIOM)

انرژی زاء، محرک، دلگرمی، تلنگر (غیررسمی)

a shoulder to cry on (IDIOM)

سنگ صبور

a sign of the times (IDIOM)

رسوای عالم، رسوای زمانه

a single tear rolls down my cheek

abbreviation

a single tear rolls down my cheek (IDIOM)	اشکم سرازیر شد
a soft touch (IDIOM)	دست و دل باز، بخشنده
a sore point (IDIOM)	نقطه ضعف
a sort of (IDIOM)	تاحدودی، بفهمی، نفهمی، بگی نگی، به اصطلاح
a square meal (IDIOM)	یک (نهار، شام، صبحانه) حسابی
a steal (IDIOM)	مفت، خیلی ارزان
a step/move up gear (IDIOM)	بکوب کار کردن، کار کردن ۲۴ ساعته
a storm in a teacup (IDIOM)	نگرانی بی خود و بی جهت
a succession of sth (IDIOM)	یک (سری/ ردیف) از چیزی
a thing of a beauty is a joy forever (IDIOM)	زیبایی جاودانه است
a thing of the past (IDIOM)	غیر متداول، مربوط به گذشته، نارایج
a tuft of hair (IDIOM)	یک دسته مو
a U-turn (IDIOM)	صد و هشتاد درجه نظر کسی عوض شدن/ برگشتن، تغییر نظر و عقیده دادن
a vicious circle (IDIOM)	دور باطل
a way of life/ sb's way of life (IDIOM)	راه و روش زندگانی (کسی)
a white elephant (IDIOM)	چیز پرهزینه و بی فایده، آفتابه خرج لحیم
a white lie (IDIOM)	دروغ مصلحتی
a whole new you (IDIOM)	نو نوار شدی

a worm will turn (IDIOM)	نترس از آن که های و هوی دارد
a yes-man (IDIOM)	بله قربانگو، غلام حلقه به گوش، گوش به فرمان
a.m. /,eɪ 'em/ (abbr.) = A.M.	زمان بین نصف شب و ظهر
a/ the happy medium (IDIOM)	نه سیخ بسوزد نه کباب، سیستم پرنده برنده، مطبوع و دلخواه همه، بازی دو سر برد
a/ the seal of approval (IDIOM)	مهر تایید
abaft /ə'baɪft/ (adv.)	به طرف عقب، عقب گرد
abandon /ə'bəndən/ (noun, AWL)	بی خیالی (رسمی)
abandon /ə'bəndən/ (verb, AWL)	کسی را به حال خود گذاشتن/ رها کردن، ترک کردن، محروم کردن از حمایت، قطع کردن کمک (به کسی/ چیزی)، رها کردن (چیزی)، کاری را نیمه کاره رها کردن، کاری را واگذار کردن
abandoned /ə'bəndənd/ (adj., AWL)	متروکه، رها شده
abandonment /ə'bəndənmənt/ (noun, AWL)	رهاسازی/ ترک، انصراف/ تسلیم
abate /ə'beɪt/ (verb)	فرو کش کردن، کم شدن
abatement /ə'beɪtmənt/ (noun)	فروکش، رفع، تخفیف، تنزل
abbess /'æbes/ (noun)	رئیس صومعه زنان تارک دنیا
abbey /'æbi/ (noun)	صومعه، دیر، خانقاه
abbot /'æbət/ (noun)	راهب بزرگ، رئیس راهبان، بزرگ راهبان
abbreviate /ə'bri:viət/ (verb)	به اختصار نوشتن، مختصر نوشتن، خلاصه نوشتن
abbreviation /ə'bri:vi'eɪʃn/ (noun)	اختصارنویسی، اختصاری، خلاصه نویسی

abdomen

abdomen /'æbdəmən/ (noun)

شکم (تکنیکی، رسمی)

abduct /æb'dʌkt/ (verb)

دزدیدن، ربودن (آدم)

abduction /æb'dʌkʃn/ (noun)

آدم ربایی، آدم دزدی

abductor /æb'dʌktər/ (adj.)

آدم ربا

abhor /əb'hɔ:r/ (verb)

نفرت / تنفر داشتن

abhorrence /əb'hɔ:rəns/ /əb'hɑ:rəns/ (noun)

انزجار، تنفر، بیزاری

abhorrent /əb'hɔ:rənt/ /əb'hɑ:rənt/ (adj.)

منزجر کننده

abide by sth (PHRV)

(پیروی / اطاعت) کردن (از قانون، تصمیم یا دستورالعمل)

ability /ə'bɪlətɪ/ (noun)

توانایی، استعداد

abject /'æbdʒekt/ (noun)

تبعه، ذلیل، سرافکنده، پست، خوار

abject lesson (IDIOM)

به در بگو که دیوار بشنوه

able /'eɪbl/ (adj.)

توانا، لایق، با استعداد، توانمند، ماهر

able seamen (noun)

مهنای دوم

able-bodied seaman

ملوان

ablutions /ə'blu:ʃnz/ (noun)

شستشو، وضو، غسل

abnormal /æb'nɔ:ml/ (adj., AWL)

غیرعادی، نامعقول، نابهنجاری

abnormally /məli/ (adv., AWL)

به طور غیرعادی، نابهنجاری

aboard /ə'bɔ:rd/ (adv.)

روی کشتی

abrasive

abolition /,æbə'liʃn/ (noun)

لغو، برچیدن، از میان برداری

aborigine /,æbə'ri:dʒəni/ (noun)

ساکن اولیه یک ناحیه، بومی

abort /ə'bɔ:rt/ (verb)

نارس به دنیا آوردن، سقط کردن، بچه انداختن، بی نتیجه ماندن

abortion /ə'bɔ:ʃn/ (noun)

سقط جنین، بچه اندازی

abortive /ə'bɔ:rtɪv/ (adj.)

سقط شده، بی ثمر، بی حاصل

about /ə'baʊt/ (adv.)

کم و بیش، تقریباً، در جهت مخالف، خلاف جهت (تکنیکی و رسمی)، حوالی، حول و حوش، پیرامون، نزدیک به

about /ə'baʊt/ (prep.)

درباره‌ی، در مورد، مشغول، سرگرم، در حال انجام کاری، حوالی، حول و حوش

above – mentioned (IDIOM)

همان‌طور که ذکر شد

above /ə'baʊ/ (prep.)

بالای، بالاتر از، برتر / مهم تر از چیزی / کسی، بیش تر از

above /ə'baʊ/ (adj.)

ذکر شده (در بالای نوشته یا صفحه پیشین)

above /ə'baʊ/ (adv.)

بالایی، بیش از

above all (IDIOM)

بالاتر از همه

above board (IDIOM)

کاری که به صورت درست و قانونی انجام شده

above oneself (IDIOM)

بالاتر از همه، بسیار هیجان زده

aboveboard (IDIOM)

بی غل و غش، بی شیله پيله

abrasion /ə'breɪʒn/ (noun)

سایش، خراش (پوست بدن)

abrasive /ə'breɪsɪv/ (noun)

ساینده، فرسایش گر

abridg

abundance

abridg(e)ment /ə'bridʒmənt/ (noun)	خلاصه
abridge /ə'bridʒ/ (verb)	خلاصه کردن، کوتاه کردن
abridged/compact negotiation (IDIOM)	مذاکرات فشرده و کوتاه مدت
abroad /ə'brɔ:d/ (adv.)	خارج (در کشور دیگر زندگی کردن)، شایع، فراگیر، خارج از (قدیمی)، بیرون
abscess /'æbses/ (noun)	دنبل، ورم چرکی
abscond /əb'skɔ:nd/ (verb)	فرار کردن ناگهانی و پنهانی (از جایی به خاطر اشتباهی که کسی انجام داده)
absence /'æbsəns/ (noun)	غیبت، نبودن، فقدان
absence makes the heart grow fonder (IDIOM)	جدایی تا نیتند، دوست قدر دوست کی داند
absent /'æbsənt/ (adj.)	غیبت، عدم حضور/ وجود، حواس پرتی، گیجی
absent /æb'sent/ (verb)	غایب بودن، حضور نداشتن
absent-minded (adj.)	حواس پرت
absentee /,æbsən'ti:/ (noun)	فرد غایب
absolute /'æbsə'lut; ,æbsə'lut/ (adj.)	کامل، مطلق، مسلم، قطعی، نامحدود، بی‌حد و مرز
absolute /'æbsə'lut; ,æbsə'lut/ (noun)	قطعی، بی‌قید و شرط، مطلق
absolutely /'æbsə'lutli; ,æbsə'lutli/ (adv.)	یقیناً، به‌طور قطع، مسلماً، به‌شدت (با صفت یا فعل به کار می‌رود، برای نشان دادن احساسات شدید)، برای نشان دادن تأکید بر موافقت با کسی در انجام کاری به کار می‌رود (صد در صد)، کاملاً
absolution /,æbsə'lʊ:ʃn/ (noun)	بخشایش

absolve /əb'zɔ:lv/ (verb)	رفع اتهام کردن، بخشیدن
absorb /əb'sɔrb; əb'zɔrb/ (verb)	جذب کردن، در خود حل کردن، فرا گرفتن چیزی، مجذوب کردن کسی
absorbent /əb'sɔ:rbənt/ (noun)	مجذوب کننده، جاذب، نم گیر، عامل جذب
absorbing /əb'sɔ:rbɪŋ /əb'zɔ:rbɪŋ/ (adj.)	جذاب
absorption /əb'sɔ:rpʃn /əb'zɔ:rpʃn/ (noun)	جذب، شیفنگی، مجذوب شدگی
abstemious /əb'sti:miəs/ (adj.)	میان‌ه رو، اعتدال گرا
abstract /əb'strækt; æb'æbstrækt/ (adjective, AWL)	کلی / انتزاعی، ناملموس، غیر قابل لمس
abstract /'æbstrækt/ (verb, AWL)	برداشتن / رفع کردن، به جای دیگر بردن / خلاصه کردن، جدا کردن، تجزیه کردن (نمک از آب دریا)
abstract /'æbstrækt/ (noun, AWL)	هنر آبستره خلاصه، چکیده
abstraction /əb'strækʃn; æb/ (noun, AWL)	انتزاع، حواس پرتی / بی‌حواسی
abstractly /BrE 'æbstræktli; NAmE 'æbstræktli/ adv., AWL)	به طور انتزاعی
abstruse /əb'stru:s/ /əb'stru:s/ (adj.)	پیچیده، مرموز، اسرارآمیز
absurd /əb'sɜ:rd/ (adj.)	بی معنی، مضحک
absurdity /əb'sɜ:rdəti/ (noun)	بی مفهومی، پوچی
abundance /ə'bʌndəns/ (noun)	فراوانی

abundant

abundant /ə'bʌndənt/ (adj.)

فراوان

abundantly /ə'bʌndəntli/ (adv.)

به فراوانی

abuse /ə'byus/ (noun)

استفاده نابه‌جا/ نادرست، رفتار غیرمنصفانه، فحش، ناسزا، توهین، نامربوط (حرف)، بی‌حرمتی

abuse /ə'byuz/ (verb)

سوءاستفاده کردن، استفاده نادرست کردن، تجاوز جنسی به کسی کردن، بد رفتاری کردن با کسی / چیزی، به کسی توهین کردن، ناسزا گفتن، بد به کار بردن

abuser /ə'bjuzə/ (noun)

سوء استفاده‌گر

abusive /ə'bjusiv/ (adj.)

توهین آمیز، بدزبان، فحاش

abysmal /ə'bizmə/ (adj.)

بسیار بد (در کار، کیفیت و ...)

abyss /ə'bis/ (noun)

گودال خیلی عمیق، ژرف، ژرفا، عمق، نهایت

academia /,ækə'dimɪə/ (noun, AWL)

دانشگاه، مدرسه عالی، فرهنگستان علم، دنیای علم (جهان دانش، آموزش و علم و صنعت و تمامی افرادی که در آن مشغول فعالیت هستند)

academic /,ækə'demɪk/ (noun)

مدرسه، دانشگاه

academic /,ækə'demɪk/ (adj.)

آموزشی، نظری، نامربوط / بی‌اهمیت (به جهت غیر کاربردی بودن آن)، دانشگاهی، تئوری

academically /kli/ (adv.)

به طور آموزشی، از نظر آموزشی

academy /ə'kædəmi/ (noun)

دانشگاه، مدرسه، آموزشگاه عالی، مؤسسه، مکتب، کانون، دانشکده

accelerate /ək'seləreɪt/ (verb)

سریعتر حرکت کردن، سرعت بخشیدن

acceleration /ək'selə'reɪʃn/ (noun)

تسریع

accident waiting to happen

accident /'æksɪnt; æk'sent/ (verb)

تأکید کردن، برجسته کردن، تکیه کردن

accident /'æksɪnt/ (noun)

لهجه، تأکید، تکیه (در لغت)، لحن، علامت، قوت، تشدید

accentuate /æk'sentʃueɪt/ (verb)

قوی تلفظ کردن، اهمیت دادن

accentuation /æk'sentʃu'eɪʃn/ (noun)

تأکید

accept /ək'sept/ (verb)

موافقت کردن، پذیرفتن (رسمی) قبول کردن، پذیرفتن، قبول داشتن، پسندیدن (رسمی)،

acceptability /ək'septə'bɪlətɪ/ (noun)

پسندیدگی، شایستگی، مقبولیت، پذیرش

acceptable /ək'septəbl/ (adj.)

قابل قبول / مورد قبول، پذیرفتنی

acceptably /ək'septəbli/ (adv.)

به طور قابل قبول، در حد قابل قبول

acceptance /ək'septəns/ (noun)

پذیرش، قبولی، موافقت، توافق (تجاری)

access /'ækses/ (verb, AWL)

دست یافتن، راه پیدا کردن

access /'ækses/ (noun, AWL)

راه، دسترسی، ورودی، مدخل

accessibility /ək'sesə'bɪlətɪ/ (noun, AWL)

دسترسی، امکان دسترسی

accessible /ək'sesəbl/ (adj.)

قابل رویت / قابل دسترس / دست‌یافتنی، قابل درک و فهم / روشن و واضح

accessory /ək'sesəri/ (noun)

متعلقات (وسایل جانبی، مثل، کفش، کیف، چتر و... مربوط به زنان)

accident /'æksədənt; ,dənt/ (noun)

تصادف، سانحه، پیشامد

accident waiting to happen (IDIOM)

حادثه خبر نمی‌دهد، حادثه همه جا در کمین است.

accidental

accidental /ˌæksə'dentl/ (adj.)

تصادفی، غیر مترقبه، شانسی

accidentally /'dentli; 'dentli/ (adv.)

برحسب تصادف، به طور اتفاقی، تصادفاً

accidents will happen (IDIOM)

جلوی اتفاقات رو نمی شود گرفت

acclaim /ə'kleim/ (verb)

ستودن، تحسین کردن، تجلیل کردن

acclimatize /ə'klaɪmətaɪz/ (verb)

خوگرفتن/ دادن، (به منطقه آب و هوایی جدید)، عادت کردن

accommodate /ə'kamə,deɪt/ (verb, AWL)

(جا و مکان خواب) مهیا کردن/ فراهم کردن/ منزل دادن، فضای کافی فراهم کردن

accommodating /ə'kamə,deɪtɪŋ/ (adj., AWL)

مهربان، نیکوکار، بخشنده، خوش برخورد

accommodation /ə,kamə'deɪʃn/ (noun, AWL)

اقامتگاه/ محل اقامت، محل زندگی، اتاق با غذا در هتل، محل سکونت، موافقت/ سازش/ توافق

accompaniment /ə'kʌmpənɪmənt/ (noun, AWL)

(آهنگ و ساز همراهی کننده) همراهی/ سازش/ همسازی، همنوازی (در نواختن موسیقی)

accompanist /ə'kʌmpənɪst/ (noun)

نوازنده همراهی کننده، همناواز (در موسیقی)

accompany /ə'kʌmpəni/ (verb, AWL)

همراهی کردن، ضمیمه کردن، اتفاق افتادن با چیز دیگر، همناوایی کردن با آلات موسیقی (پیانو)، توأم کردن

accomplice /ə'kɑ:mplɪs/ (noun)

شریک جرم، شریک در کار خطا؛ همدست

accomplish /ə'kɑ:mplɪʃ/ (verb)

به موفقیت نائل شدن

accomplished /ə'kɑ:mplɪʃt/ (adj.)

مستعد، ماهر

accumulation

accomplishment (noun) /ə'kɑ:mplɪʃmənt/

توانایی، مهارت، دستیابی

accord /ə'kɔ:rd/ (verb)

تقدیم کردن/ بخشیدن، موافق بودن، جور درآمدن، مطابق بودن

accordance /ə'kɔ:rdns/ (noun)

توافق، سازگاری، هماهنگی، مطابقت

according to /ə'kɔ:dɪŋ tə/ (prep.)

به قول (طبق گفته‌ی)، طبق نظر، مطابق با نظر، بسته به، با پیروی از

accordingly /ə'kɔ:rdɪŋli/ (adv.)

بنابراین با این تفاسیر، بدین طریق، بدین ترتیب

account /ə'kaʊnt/ (noun)

حساب بانکی، صورت حساب، حساب (دریافت و پرداخت)، گزارش، شرح

account /ə'kaʊnt/ (verb)

به حساب آوردن

account for (PHRV)

تشریح کردن، توجیه کردن، توضیح دادن، تشکیل دادن، برای چیزی دلیل داشتن، حساب پس دادن (پول)، فائق شدن، غلبه کردن بر کسی/ چیزی

account for sth (to sb) (PHRV)

حساب دخل و خرج را داشتن

account for sth (PHRV)

توضیح دادن/ شرح دادن، دلیل موجه آوردن، دلیل آوردن

accountable /ə'kaʊntəbl/ (adj.)

پاسخگو، مسئول

accountancy /ə'kaʊntənsi/ (noun)

حسابداری

accountant /ə'kaʊntənt/ (noun)

حسابدار

accumulate /ə'kju:mjələɪt/ (verb)

(به تدریج) جمع شدن، انباشته شدن (به تدریج) زیاد شدن، افزایش یافتن

accumulation /ə,kju:myə'leɪʃn/ (noun)

افزایش، انباشت، ذخیره

accuracy

accuracy /'ækjərəsi/ (noun)

درستی، صحت و سقم

accurate /'ækjərət/ (adj.)

صحیح، پرتاب دقیق، درست، دقیق

accurately /'ækjəreɪli/ (adv.)

به طور دقیق، دقیقاً

accusation /,ækju:'zeɪʃn/ (noun)

اتهام، تهمت

accuse /ə'kyuz/ (verb)

متهم کردن، مقصر دانستن

accused /ə'kju:zd/ (noun)

متهم

accuser (noun) /ə'kju:zə/

متهم کننده، دادخواه

accustom /ə'kʌstəm/ (verb)

سازگار کردن، عادت کردن

ace /eis/ (noun)

تک خال، آس

ace sb out (PHRV)

کسی را بردن، بر کسی غلبه کردن

ache /eɪk/ (noun)

درد (ناتوان کننده)

ache /eɪk/ (verb)

درد کردن (مدام)

achievable /ə'tʃɪvəbl/ (adj., AWL)

قابل دستیابی/تحقق پذیر

achieve /ə'tʃɪv/ (verb, AWL)

با موفقیت کاری را به پایان رساندن، دست یافتن، موفق بودن

achievement /ə'tʃɪvmənt/ (noun, AWL)

موفقیت، دستیابی، پیروزی

aching /'eɪkɪŋ/ (adj.)

دردناک

acid /'æsid/ (adj.)

ترشی/تندی، اسیدی، (برای شخص) نامهربان و تند تیز، بد اخلاق

acid /'æsid/ (noun)

اسید

acquit

acid test (noun)

بوته آزمایش، تست صلاحیت و کیفیت

acidity /ə'sɪdəti/ (noun)

ترش

acknowledge /ək'naɪdʒ/ (verb, AWL)

حقیقت را پذیرفتن، قبول داشتن/پذیرفتن، جواب دادن به چیزی، اعلام دریافت/وصول کردن چیزی، به چیزی توجه کردن، (با لبخند) قدردانی کردن، تایید کردن(چیزی که از کسی گرفته می شود)، نشان دادن، شناختن کسی با لبخند یا دست تکان دادن

acknowledged (adj., AWL)

پذیرفته شده

acknowledgement /ək'naɪdʒmənt/ (noun, AWL)

قبول/تصدیق، تشکر، (رسمی)تصدی، سپاس گزاری

acne /'ækni/ (noun)

آکنه

acorn /'eɪkɔ:rn/ (noun)

فندق

acquaint with (PHRV)

کسی را با چیزی آشنا کردن

acquaintance /ə'kweɪntəns/ (noun)

آشنا (با کسی)، آگاهی/اطلاع (از کس/چیز)

acquaintanceship /ə'kweɪntənsʃɪp/ (noun)

آشنایی (دانش و شناخت جزئی از کس یا چیز)

acquiesce /,ækwi'es/ (verb)

(رسمی) تن در دادن، تسلیم شدن (علی رغم میل)

acquiescence /,ækwi'esns/ (noun)

تسلیم

acquire /ə'kwaɪər/ (verb, AWL)

به دست آوردن، حاصل کردن / دست پیدا کردن، کسب کردن/ صاحب شدن/ دانش اندوختن

acquire a taste of sth (PHRV)

رفته رفته از مزه ی چیزی خوش آمدن

acquisition /,ækwə'zɪʃn/ (noun, AWL)

اکتساب/فراگیری، چیز اضافه شده، کسب، دستاورد، چیز خریداری شده

acquit /ə'kwɪt/ (verb)

تبرئه کردن

acquittal

actuate

acquittal /ə'kwɪtl/ (noun)	تبرئه، برائت
acrid /'ækɹɪd/ (adj.)	مزه گس، تند و تلخ، (تند) بد اخلاق
acrobat /'ækɹəbæt/ (noun)	بند باز
acronym /'ækɹənɪm/ (noun)	کلمه‌ای که از حروف اول چند کلمه ساخته می‌شود
across /ə'krɒs/ (prep.)	سرتاسر، از این طرف به آن طرف، در طرف دیگر چیزی، نسبت به قسمتی از بدن، بخشی از (گروه، مردم)
across /ə'krɒs/ (adv.)	از این طرف به آن طرف، به طرف، از طرف، روبروی، در برابر، نوشتن از یک طرف به طرف دیگر، از این سو به آن سو، سرتاسر
act /ækt/ (noun)	عمل، کار، لایحه/ قانون، تظاهر، ادا، ایفای نقش در سیرک تئاتر و ...
act /ækt/ (verb)	عمل کردن، رفتار کردن، تظاهر کردن، وانمود کردن، بازی کردن در نمایش/ فیلم، نمایش دادن/ انجام دادن، با عنوانی خاص/ در مقامی کار انجام دادن
act around sb (PHRV)	به ساز کسی رقصیدن
act for /on behalf of sb (PHRV)	وکالت کسی را قبول کردن
act on/ upon sth (PHRV)	براساس چیزی کاری را انجام دادن، در نتیجه تصمیم نصیحت یا اطلاعاتی کاری را انجام دادن، آگاهانه اقدام کردن
act sth ↔ out (PHRV)	اجرا شدن (مراسم/ نمایش)، نقش بازی کردن/ رُل بازی کردن (در شرایط واقعی)
act up (PHRV)	شیطنت کردن/ خودسری کردن، مشکل داشتن/ درست کار نکردن/ روبه راه نبودن
act upon sth (PHRV)	چیزی را (به کار بستن/ اجرا کردن)

act your age (IDIOM)	اندازه سنت عمل/ رفتار کن
acting /'æktɪŋ/ (noun)	هنر نمایش دادن یک کاراکتر، بازیگری تئاتر و سینما
acting Sub-lieutenant (noun)	ناویان دوم موقت
action /'ækʃn/ (noun)	رفتار، کنش، عمل، اقدام، حرکت (به منظور دعوا)، عملیات، حمله، عملیات در جنگ
actions speak louder than words (IDIOM)	به عمل کار برآید، دوصد گفته نیم کردار نیست
active /'æktɪv/ (adj.)	فعال، پرجنب و جوش، حاضر به خدمت، کاری، موثر، پویا، پراثری
active /'æktɪv/ (noun)	حالت فاعلی بودن جمله (جمله معلوم)
actively /æktivli/ (adv.)	فعالانه/ به طور فعال
activist /'æktəvɪst/ (noun)	فعال (سیاسی/ اجتماعی)
activity/ æk'tɪvəti/ (noun)	فعالیت/ سرگرمی
actor/ 'æktər/ (noun)	بازیگر/ هنرپیشه مرد
actress/ 'æktɹəs/ (noun)	بازیگر/ هنرپیشه زن
actual /'æktʃuəl; 'ækʃuəl/ (adj.)	واقعی/ حقیقی، اصلی/ عمده، مهم
actuality /,æktʃu'æləti/ (noun)	واقعیت، حقیقت
actually /'æktʃuəli; 'æktʃəli; 'ækʃəli/ (adv.)	به طور واقعی/ واقعاً، در واقع/ در حقیقت، به درستی، حقیقتاً
actuate /'æktʃueɪt/ (verb)	به حرکت درآوردن، روشن کردن (وسیله)، به کار انداختن، سوق دادن، انگیزختن

شماره تماس با نمایندگی‌های فعال و رسمی گروه تألیفی دکتر خلیلی

۰۹۱۹۶۳۲۱۸۵۲ بجنورد (آقای دکتر نظری)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۴۷ تبریز (خانم عاصمی‌زاده)
۰۹۱۹۶۸۵۳۴۰۵ ایزده (آقای داوودی)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۴۸ کرمانشاه (آقای ابراهیمی)
۰۹۱۹۶۲۸۷۱۶۸ دزفول (آقای بقامفرد)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۴۹ قزوین (خانم پورامین)
۰۹۱۹۶۸۵۳۱۱۶ بروجرد (آقای پیرهادی)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۰ اصفهان (آقای کیانی)
۰۹۱۹۶۸۲۹۲۸۰ رفسنجان (خانم استادحسینی)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۱ کرمان (آقای رجعتی)
۰۹۱۹۵۳۷۱۹۶۰ کازرون (آقای صادق‌زاده)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۲ شیراز (آقای فروردین - خانم هوشمندی)
۰۹۱۹۵۳۷۱۸۹۰ شیراز - قوچان (آقای حسین‌زاده)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۳ رشت (خانم دکتر خدایاری)
۰۹۱۹۶۳۵۱۸۵۳ یاسوج (آقای بهنام مقدم)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۴ اهواز (آقای رضازاده)
۰۹۱۹۷۲۸۱۹۵۲ بندرعباس (آقای کریمی)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۵ همدان (آقای سوری)
۰۹۱۹۵۳۹۶۰۸۲ سیرجان (خانم صادقی)	۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۶ مشهد (آقای عتباتی)
۰۹۱۹۶۳۵۰۷۶۸ نیشابور (خانم برزنونی)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۰ جیرفت (خانم محمدی)
۰۹۱۹۸۸۲۷۸۸۱ دامغان (آقای رحمتی)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۱ ارومیه (آقای محمدی)
۰۹۱۹۵۳۲۷۳۷۱ سقز (خانم غفوری)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۲ سنندج (آقای محمدی)
۰۹۰۱۳۳۳۷۸۹۸ کاشان (آقای صادقی)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۳ یزد (خانم آزاد)
۰۹۱۷۷۹۱۱۶۶۲ جهرم (آقای یاعلی‌جهرمی)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۵ زاهدان (سراوانی)
۰۹۱۹۵۹۰۷۲۰۳ بیرجند (آقای بهروان)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۷ گرگان (آقای مختاری)
۰۹۱۹۵۹۰۷۲۰۶ الشتر (خانم ندری)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۸ اردبیل (خانم عاصمی‌زاده)
۰۹۱۹۸۱۲۷۸۸۱ سمنان (آقای رحمتی)	۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۹ شهرکرد (خانم تقی‌پور)
۰۹۱۸۲۳۸۹۳۷۳ ایلام (خانم ادیب‌نژاد)	۰۹۱۹۷۷۸۱۹۴۴ ساری (آقای دکتر اکبری)
۰۹۱۹۵۹۰۷۲۰۴ آباده (خانم خسروی)	۰۹۱۹۷۷۸۱۹۴۵ قم (خانم امینی)
۰۹۱۹۷۲۸۱۹۳۴ نجف‌آباد (آقای ابوطالبی)	۰۹۱۹۷۷۸۱۹۴۷ کرج (آقای دکتر علیرضاپور)
۰۹۱۹۵۷۳۳۱۷۵ بوشهر (آقای محمدنژاد)	۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۱ زنجان (خانم هوشیار)
	۰۹۱۹۵۷۳۳۱۷۸ شاهرود (آقای واعظی)
	۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۳ اراک (دفتر مرکزی)
	۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۷ بم (خانم محمدی)
	۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۸ خرم‌آباد (آقای دریکوندی)
	۰۹۱۹۶۳۶۱۲۴۹ آبادان (آقای قوام‌پور)
	۰۹۳۵۹۵۳۹۲۶۲ سبزوار (خانم نیک‌سپهر)



باسپاس از

حضرت فردوسی کبیر، پدر واژه نویسی ایران

درباره فرهنگ پرواژه انگلیسی- فارسی ایران ما

خوانندگان گرانقدر بدانند:

روند تحلیل معنایی واژگان در نظام ساختاری زبان، بر اساس علم واژه شناسی، معنا را در چند سطح برای استفاده از هر کلمه قرار می دهد که شامل تعریف، بسط تخصصی معنایی، مهم ترین معانی، اصطلاحات ساخته شده از آن کلمه و واژگان هم خانواده یا متضاد آن می شود. فرهنگ لغت دوزبانه حاضر سعی کرده که مهم ترین معنی واژه ها، به همراه اصطلاحات مهم و مرتبط با آن واژه را در خود جای دهد.

در راستای هدف گروه ایران ما در زمینه تحقیق، تالیف و پژوهش در امر فرهنگ واژه نامه نویسی، کتاب حاضر گامی ویژه به سوی ساختارهای پیچیده تری از تطبیق دو زبان انگلیسی و فارسی برداشته است. به این معنی که اصطلاحات در این فرهنگ نقش اصلی را دارا است. فرهنگ لغت حاضر علاوه بر ساخت های نحوی اسمی، فعلی، قیدی، صفتی و عبارات و اصطلاحات فعلی، دارای ترکیبات و ساختارهای اصطلاحی نیز است.

این ترکیبات و ساختارها شامل عبارات و اصطلاحات عامیانه و روزمره، ضرب المثله ها، گروه های اسمی، قیدی و صفتی می شود، که در هر زبانی بنا به طبیعت آن اصطلاحاتی را می سازد که برای زبان مبدا و مقصد دارای معنا و مفهوم خاص خواهد بود. لازم به ذکر است که بسیاری از این اصطلاحات به صورت جمله و در قالب مثال ذکر شده اند که خوانندگان بتوانند کاربرد و معنای معادل آن را در زبان انگلیسی و فارسی بهتر و بیش تر درک کند.

زهره چگنی

تقدیم به

قلبی که هر ضربه آن امید ادامه زندگی من است و تقدیم به آن‌هایی که قدر وجود خوب‌ها را می‌دانند.

زهره چگنی

ما عشقِ مشترک داشتیم: ایران
ما حرفه‌ی مشترک داشتیم: باور کردن شعورمان.
ما هدفِ مشترک داشتیم: آفرینشِ یک اثرِ هنری از زندگی توامان.
در سالیان کوتاه، ولی خوشبختِ زندگیِ مشترک مان، تحمل کردن با او بود و
سالیان زندگی بی‌او، با من.

ایران درودی

سرپرست ویراستاران

محمدرضا یاراحمدی - زهره چگنی

مشاور

استاد منوچهر وفایی

گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری

احمد شعبانی (مهندس برق الکترونیک، مدرس زبان انگلیسی)

همکاران مقطعی بخش ویراستاری عمومی

سمیرا پارسا (کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی)

زینب دارابی (کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی)

همکاران مقطعی بخش ترجمه

عاطفه چهارلنگ (کارشناس مترجمی زبان انگلیسی)

آزاده گودرزی (کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی)

نمونه خوانان

حمیدرضا کاظمیان حیدری (دانشجوی برق)

ناظر بازبینی نمونه خوانی

محدثه مسیبیان (دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی)

آذر میدخت چگنی (کارشناس ارشد معماری)

سرشناسه	پاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ پرواژه انگلیسی-فارسی ایران ما/به سرپرستی محمدرضا پاراحمدی، زهره چگنی؛ مشاور منوچهر وفایی؛ گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری احمد شعبانی؛ ویراستار علمی زهره چگنی.
مشخصات نشر	تهران: گروه تألیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۶۵۶ ص. : جدول.
شابک	978-600-422-233-4:
وضعیت فهرست‌نویسی	یادداشت
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Mohammad Reza Yarahmadi, Zohreh Chegeni. Porvazhe: English-Persian dictionary - Our IRAN
موضوع	زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع	English language -- Dictionares -- Persian:
موضوع	زبان انگلیسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع	English language -- Terms and pharses -- Dictionares -- Persian:
شناسه افزوده	چگنی، زهره، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده	وفایی، منوچهر، ۱۳۱۷-
شناسه افزوده	شعبانی، احمد، ۱۳۶۳-
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶: ۲۱۶۴۵/ف۲
رده‌بندی دیویدی	۴۲۳۳: فا
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۲۴۸۵۳:

نام کتاب: فرهنگ پرواژه انگلیسی - فارسی ایران ما

مؤلفین و مترجمین (سرپرستان گروه): دکتر محمدرضا پاراحمدی - زهره چگنی

ویراستار علمی: زهره چگنی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: کیمیای قلم - صحافی: فردوس

مدیر تولید: اقبال شرقی

ناظر فنی چاپ: فرهاد فراهانی

مدیر فنی و هنری: مریم آرده

تایپ و صفحه‌آرایی: سمانه توکلیان

بهاء: ۳۰۰۰۰ تومان

Website: www.DKG.ir

Telegram: [drkhaliligroup](https://t.me/drkhaliligroup)

آموزشگاه دکتر خلیلی (دفتر مرکزی): ۰۲۱-۶۶۵۸۹۳۷۵

فروشگاه: تهران - خیابان انقلاب - روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران - پاساژ فروزنده - طبقه همکف - پلاک ۳۳۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۸۹۳۷۵ - ۰۲۱-۶۶۵۸۹۳۴۹

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب - جنب سینما پارس - مجتمع تجاری پارس - طبقه اول

مرکز فروش: ۰۲۱-۶۶۵۹۲۱۱۶

مدیر فروش: ۰۵۰۸۵۸۹ - ۰۹۱۲

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر گروه تألیفی دکتر خلیلی است.
هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.



فرهنگ پرواژه انگلیسی – فارسی ایران ما

به سرپرستی

دکتر محمدرضا یاراحمدی

(عضو هیئت علمی دپارتمان زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد بروجرد)

و

زهره چگنی

(کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی)

مشاور: استاد منوچهر وفایی

(مدرس زبان انگلیسی دانشگاه آزاد بروجرد)

گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری: احمد شعبانی

(مهندس الکترونیک، مدرس زبان انگلیسی)

ویراستار علمی: زهره چگنی